

آسیب شناسی اجتماعی شهری

معصومه راز

کارشناس رشته راهنمایی و مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

Email:masomeh.raz1402@gmail.com

چکیده

شهر همیشه کارکرد مناسبی ندارد. همگام با توسعه شهری و کیفیت زندگی شهروندان، مشکلات و نارسایی های زیادی نیز در شهر وجود دارند. امروزه شهرها، بخصوص شهرهای کمتر توسعه یافته، از مشکلات و آسیب های جدی در زمینه های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، بهداشتی و کالبدی رنج می برند. مسایل و آسیب های شهری به واسطه عدم تعادل بین امکانات شهری و جمعیت شهری به وجود آمده و به خاطر نسبت کم آن با توسعه و فقدان مدیریت نوین شهری، تشدید می یابند.

کلمات کلیدی: آسیب های اجتماعی، مدیریت شهری، شهرداری

مقدمه:

به طور کلی شهرهای بزرگ و کلان شهرها در همه نقاط جهان در دورانی که رشد سریع جمعیت شهری را تجربه میکنند با تراکم و تشدد انواع معضلات شهری از انواع آلودگیها، گرفته تا عدم وجود زیرساخت‌های شهری لازم، مشکل جابه جایی‌های درون شهری، اشتغال شهروندان، فقر شهری و ... مواجه میشوند. بخش بسیار مهمی از مشکلات شهری در این مرحله به مسائل اجتماعی و فرهنگی و من جمله آسیب‌های اجتماعی شهری باز میگردد. تا اینجا در واقع تفاوتی میان کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه وجود ندارد. تفاوت در سرعت و حجم پدیده شهری شدن در این دو دسته کشورهاست. اگر بخواهیم نگاهی دقیق و آماری به این قضیه داشته باشیم میتوانیم مساله را این گونه مطرح کنیم که: در سال ۲۰۰۷ برای نخستین بار جمعیت ساکن در شهرها از جمعیت روستایی پیشی گرفت. نکته مهم این است که سهم قابل توجهی از این گسترش شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه اتفاق افتاده است. در این کشورها رشد جمعیت شهری به صورت انفجاری، نامتوازن و بسیار شتابان و بی قاعده رخ داده است و میتوان گفت به جای پدیده "شهری شدن" با پدیده "شهری شدن بیش از حد" مواجه هستیم. به لحاظ زمانی نیز در کشورهای توسعه یافته دوره شهری شدن دوران صعود را پشت سر گذاشته و روبه افول دارد. در حالیکه در کشورهای در حال توسعه در حال حاضر شهرنشینی یک سیر صعودی را تجربه می کند. بهترین شواهد در این زمینه آمار و ارقام هستند. طبق پیش بینی های سازمان ملل تا سال ۲۰۱۵ از ۲۷ کلان شهر جهان، ۱۸ شهر در آسیا خواهد بود. رشد جمعیت در چند دهه اخیر در کشورهای بزرگ صنعتی جهان کمتر از یک درصد بوده در حالیکه این رقم برای کشورهای کمتر توسعه یافته بین ۶ تا ۹ درصد بوده است.

به طور کلی زمینه بروز آسیبهای اجتماعی در افراد می تواند از حوزه های شخصیتی و فردی، خانوادگی، کاری و جامعه نشات بگیرد. اما عوامل ساختاری موثر در گسترش آسیب های اجتماعی در شهرها و راهکارهای کنترل آنها، مبحثی است مربوط به مدیریت شهری. عوامل زمینه ساز آسیب های اجتماعی در شهرها عبارتند از: رشد جمعیت شهری و عدم رشد زیر ساخت ها و امکانات شهری با متناسب با آن، مهاجرت گسترده از روستاها به شهرها، مشکل اشتغال شهروندان و فقر شهری و مشکلات معیشتی عدم جذب جمعیت شهری به چرخه کار مفید و مولد، تغییر ساختار و ترکیب جمعیت و رشد جمعیت جوان و جویای کار و عدم رشد کارآفرینی شهری، فقر فرهنگی و عدم وجود زیرساخت های آموزشی و تربیتی کافی کاهش سطح کنترل و نظارت عمومی، سهولت ارتکاب جرم و ضعف وجدان عمومی برای مقابله با آسیب های اجتماعی در سطح شهر می توان تقویت زیرساخت ها، امکانات شهری، توزیع عادلانه منابع، افزایش سطح نظارت، توسعه زیرساخت های آموزشی، تقویت نهادهای مذهبی و ارزشهای فرهنگی و اخلاقی و توسعه کارآفرینی شهری، توسعه فعالیت های ورزشی، هنری، ... را در یک برنامه ریزی جامع و کلان نگر مورد توجه قرار داد.

در ایران پدیده شهری شدن و رشد جمعیت شهری در حجم و سرعتی قابل توجه نسبت شهرنشینی در ایران از ۳۷/۶ درصد در سال ۱۳۴۵ به حدود ۷۰ درصد در سال ۱۳۸۵ بالغ گشته است، بخش عمده ای از بار این رشد شهرنشینی بر دوش تهران قرارداد و بالطبع عوامل زمینه ای بروز آسیب های اجتماعی در این شهر از شدت و تراکم بیشتری نسبت به سایر مناطق شهری در ایران برخوردارند. در چهارچوب فعالیت های شهرداری در فاصله سال های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱ مجموعه اقدامات ارزنده ای صورت گرفته است که از آن میان می توان به برنامه هایی چون طرح جامع مهار، کنترل و کاهش آسیب های اجتماعی شهر تهران، مطالعه و آسیب شناسی محله ای تهران، شناسایی نقاط آسیب خیز و بحران زای اجتماعی حرفه آموزی و فراهم آوردن زمینه اشتغال مددجویان، گسترش طرح مددکار شهر و ارائه خدمات مشاوره ای در مراکز فرهنگی، اجتماعی، و در عرصه اجرایی ساماندهی و بازتوانی و کمک به استقلال آسیب دیدگان اجتماعی و فراهم ساختن زمینه بازگشت پاک سازی سیمای شهر و کاهش نمود آسیب های اجتماعی توسط واحدهای گشت زنی و ساماندهی کودکان کار فرار، معتادان، افراد بی سرپناه، ساماندهی کارگران فصلی اشاره کرد. یک نکته مهم در این رابطه این است که با توجه به رابطه میان مسأله بی کاری و آسیب های اجتماعی توسعه طرح ها و برنامه های کارآفرینی از جمله ترتیبات نهادینی است که به منظور تثبیت وضعیت آسیب دیدگانی که به جامعه بازگشته اند صورت می گیرد. درعین حال لازم است به این نکته اشاره کنیم که ثمربخش بودن این اقدامات در گرو استمرار طرح ها و همکاری کلیه نهادهای مسوول در جامعه است.

آسیب اجتماعی چیست؟

تعریف آسیب اجتماعی: آسیب های اجتماعی به دسته ای از نابسامانی ها و ناهنجاری های رفتاری افراد یک جامعه چه بصورت فردی و یا جمعی اطلاق می شوند که ریشه در بی نظمی ها، کژکارکردی های پدیده های اجتماعی و پیامدهای نامطلوب آنها دارد. این آسیب ها غالباً باعث رنجش روانی، جسمی و مادی اقشار خاص و آسیب پذیر جامعه می شوند. همچنین می توان گفت که: به هر نوع عمل فردی یا

جمعی گفته می شود که در راستای اصول اخلاقی و قواعد عام عمل جمعی یا غیررسمی جامعه محل فعالیت کنشگران قرار نمی گیرد و در نتیجه با منع قانونی و یا قبح اخلاقی و اجتماعی روبه رو میگردد.

انواع آسیب های اجتماعی

آسیب های اجتماعی خانواده

آسیب های اجتماعی زنان

آسیب های اجتماعی طلاق

آسیب های اجتماعی جوانان

آسیب های اجتماعی اعتیاد

آسیب های اجتماعی اینترنت

آسیب های اجتماعی ماهواره

آسیب های اجتماعی دانش آموزان

عوامل مؤثر در ایجاد آسیب های اجتماعی

مطالعات انجام شده در ارتباط با آسیب های اجتماعی، عوامل زیر را منشاء بسیاری از انحرافات اجتماعی قلمداد نموده اند. در این بخش هر یک از عوامل به اجمال مورد بررسی قرار می گیرد.

۱- نابرابری های اقتصادی و اجتماعی: اختلافات طبقاتی هر جامعه، افراد را در موقعیت هایی قرار می دهند که نمی توانند نقش های اجتماعی مناسب خود را بیابند و موجب اختلاف در هنجارهای اجتماعی می شود. در نتیجه، ستیزه هنجارهای اجتماعی، تفاوت معیارها را به وجود می آورد و عدم تعهد به معیارها و تردید در اصالت آنها، عدم پایبندی به قوانین را ایجاد می کند که این به نوبه خود تضادهای اجتماعی را افزایش می دهد. درون این تضاد، کشش به سمت انحرافات اجتماعی وجود دارد.

۲- رفاه اقتصادی خانواده: در خانواده هایی که رفاه و درآمد اقتصادی زیاد است، روابط انسانی بر اثر کثرت کار و یا سرگرمی ضعیف تر می گردد. ضعف روابط انسانی به نوبه خود عامل مساعدی برای کشش به سوی انحرافات اجتماعی است. امروزه والدین و فرزندان نسبت به هم احساس و عاطفه گذشته را ندارند، چون با یکدیگر تماس و ارتباط کمتری دارند و از طرف دیگر افرادی که درآمد بیشتر از حد دارند، موقعیت و زمینه مساعدتری برای تفریحات متنوع در داخل و یا خارج از کشور را دارند و بدیهی است که این قبیل امکانات برای مصرف و فروش مواد مخدر زمینه بسیار مساعدی است.

۳- فقر مادی خانواده: در مطالعات علمی نشان داده شده است که فقر مینا و اساس انحرافات اجتماعی است. از آن جایی که بیشتر مجرمین، معتادین به مواد مخدر و الکل، مبتلایان به امراض روانی و اشخاصی که اقدام به خودکشی می نمایند، از طبقات پایین اجتماعی بوده اند در عصر حاضر از فقر به عنوان عامل عمده انحرافات اخلاقی یاد شده است. ارتکاب جرائم طبقات فقیر از شکافی که بین خواسته های جوانان آن طبقه با آن چه که در دسترس آنهاست، سرچشمه می گیرد. عمده ترین علت انحرافات اخلاقی طبقه فقیر نتیجه فشارهای حاصله از شکست در رسیدن به هدف های معین است.

۴- بیکاری: بیکاری به عنوان یک مسئله اجتماعی زمینه مساعدی برای انحرافات اجتماعی است. افراد بیکار بیشترین اوقات خود را در اماکن عمومی از جمله پارک ها می گذرانند و این گونه اماکن، بهترین و مناسب ترین مکان برای کشش به سمت انحرافات اجتماعی از جمله اعتیاد است.

۵- رشد صنعت و پیشرفت تکنولوژی: اگر در جامعه ای رشد صنعت به سرعت افزایش یابد و درآمد ناشی از آن صنعت به طور عادلانه توزیع نگردد، امکان وقوع سه اتفاق وجود دارد:

اولاً کارکنان برای اداره زندگی خود مجبور می شوند ساعات بیشتری را به کار مشغول شوند و این به نوبه خود موجب خستگی جسمی و روحی در افراد می شود.

اگر در آن جامعه برای تفریح و گذراندن اوقات بیکاری مردم از طرف دولت برای استفاده از اوقات فراغت، برنامه ریزی های اجتماعی نشده باشد، زمینه مساعدی برای گرایش به انحرافات اجتماعی فراهم می شود. ثانیاً مشکل ترافیک در شهرهای بزرگ منجر به خستگی ناشی از کار در افراد شده در نتیجه والدین قدرت تربیت و سرپرستی فرزندانشان را نخواهند داشت و بی توجهی نسبت به پرورش کودکان و نوجوانان به گرایش آنان به سمت انحرافات اجتماعی از قبیل اعتیاد، سرقت و... کمک خواهد کرد. ثالثاً رشد شهرها باعث افزایش فاصله و

شکاف طبقاتی شده و این خود به خود باعث می شود برقراری ارتباط با دوستان و خویشاوندان کمتر شده و زمینه برای ایجاد انحرافات اجتماعی فراهم شود.

۶- ستیزه والدین: اختلافات زناشویی و نزاع بین پدر و مادر باعث می شود محیط خانواده برای تربیت فرزندان، ناامن و نامناسب شود. وقتی خانواده، کانون و محیط مناسبی برای زندگی نباشد، انسان سعی می کند بیشترین اوقات خود را در خارج از خانواده بگذراند و این کار ارتباط او را با دیگرانی که چون شکارچیان ماهری به دنبال شکار می گردند، زیاد می کند و آنها پس از شناخت مشکل شخص در نقش انسانی دلسوز ظاهر شده و برای فرار از این واقعیت تلخ، فرد را به سوی اعتیاد و دیگر انحرافات اجتماعی فرا می خواند. هر چقدر ستیزه های خانوادگی بیشتر باشد، احتمال کشش به طرف انحرافات اجتماعی بیشتر است.

۷- شیوه های تربیتی والدین: مطالعات و تحقیقات نشان می دهد که رفتارهای کودکان و نوجوانان با شیوه های تربیتی والدین رابطه مستقیم و تنگاتنگ دارد. شیوه های تربیتی والدین می بایست با سطح نیازها و خواسته های مختلف فرزندان و همچنین با متدهای تربیتی صحیح اسلامی هماهنگ باشد. چنانچه والدین از شیوه های تربیتی مبتنی بر اصول اعتقادی و مذهبی استفاده نمایند، نتیجه مطلوب در رفتار فرزندان منعکس خواهد شد.

۸- عدم آگاهی و بینش صحیح والدین: مطالعات نشان می دهد کسانی که محروم از تحصیلات بوده و بینش صحیح نسبت به جامعه، تربیت و... نداشته باشند، امکان فریب خوردن و انعطاف پذیری آنها برای ارتکاب به کارهای انحرافی و برخلاف قانون بیشتر است. چون تخصص و آگاهی ندارند، نمی توانند از طریق عادی، زندگی خود را تأمین کنند و به همین دلیل است که جامعه شناسی یکی از راه های پیشگیری از جرائم را عدالت آموزشی می داند.

تعریف و هدف های آسیب شناسی

در پزشکی به مطالعه و شناخت ریشه بی نظمی های ارگانیک (موجود زنده) آسیب شناسی می گویند. در مشابهت کالبد انسانی با کالبد جامعه (نظریه اندام وارگی) می توان آسیب شناسی را مطالعه و ریشه یابی بی نظمی های اجتماعی تعریف کرد. درواقع آسیب شناسی اجتماعی، مطالعه ناهنجاری ها و نابسامانی های اجتماعی نظیر بیکاری، فقر، اعتیاد، خودکشی، روسپیکاری، رشوه خواری، ولگردی، زورگیری، گدایی و... همراه با علل و شیوه های پیشگیری و درمان آنها و نیز شرایط بیمار گونه اجتماعی است.

هدف ها و مقاصد آسیب شناسی اجتماعی را چنین می توان بر شمرد:

مطالعه و شناخت آسیب های اجتماعی و علل و انگیزه های پیدایی آنها و نیز بررسی شخصیت کژرفتاران و ویژگی های جسمانی، روانی، فرهنگی و اجتماعی آنان. شناخت درست درد ها و آسیب ها، نخستین شرط چاره جویی و بیش از نیمی از درمان است؛ درد تشخیص ناداده را درمان نتوان کرد؛ زیرا هر گونه ساختن بدون شناختن، تیر در تاریکی رها کردن است. پیشگیری از آسیب های اجتماعی به منظور بهسازی محیط زندگی و جمعی خانوادگی از آنجا که پیشگیری همواره ساده تر، عملی تر و کم هزینه تر از درمان است، دارای اهمیت بسیار می باشد.

درمان آسیب دیدگان اجتماعی یا بکارگیری روش های علمی و استفاده از شیوه های مناسب برای قطع ریشه ها و انگیزه های آنان. تداوم درمان برای پیشگیری و جلوگیری از بازگشت مجدد کژ رفتاری و بررسی شیوه های بازپذیری اجتماعی. در عصر ما پیشگیری مهمتر از درمان است. بسیاری از آسیب شناسان اجتماعی برآنند که برای مبارزه با کژرفتاری ها باید زمینه اجتماعی آنها را از میان برداشت و برای حصول این منظور رعایت دو اصل ضروری است.

نتیجه گیری

دستگیری کودکان کار به خودی خود باعث تخریب روحی و شخصیتی ایشان می شود و اصلاً معلوم نیست که نهادها و مجموعه های مردمی و... بتوانند این لطمه بزرگ را جبران کنند. به جرئت می توان گفت که هیچ کدام از طرح های ساماندهی کودکان کار دارای خروجی هایی که بتواند این آسیب اجتماعی را کاهش دهد، نبوده است.

هیچگاه آسیب های اجتماعی و مسائل مربوط به آن را نمی توان با مداخلات یک یا دو ساله حل کرد بلکه رفع این آسیب ها نیاز به برنامه ریزی های بلندمدت دارد و نباید با تغییر مدیران و مسئولان روند اجرای این برنامه ها تغییر کرده و با وقفه همراه شود. این مداخلات باید از بدنه کارشناسی و اجتماعی و از طریق فعالان مدنی طراحی شود تا به نتیجه مطلوب برسد.

کودکی که از حقوق طبیعی و زیست انسانی خود به واسطه کار محروم می شود، کودک کار نام دارد. آموزش، غذای سالم، محیط سالم، توانایی مشارکت در فرآیندهای اجتماعی و... حق طبیعی کودکان و نوجوانان است. کودکان در فرهنگ ایرانی و فرهنگ بسیاری از کشورها

قوانین سخت‌گیرانه‌تری برای کودکان زیر ۱۵ سال وضع شده است. امروز حتی در سیستم آموزشی کشورهای اروپایی این مسئله طراحی شده و آموزش شغلی و کارورزی در سنین زیر ۱۵ سال به کودکان ارائه می‌شود.

کارورزی که به رشد مهارت‌های کودکان منجر شود، نکته مثبتی است که در کشورهای توسعه یافته بدان تأکید شده است. به همین دلیل نباید با نگاه افراط‌گرایانه به این موضوع نگریت و باید کودکان را با مهارت‌های شغلی در جامعه آشنا کرد.

طبق تحقیقات انجام شده، عامل اصلی کار کردن کودکان به شکل آسیب اجتماعی، ریشه فرهنگی دارد و مسائل اقتصادی هر چند بسیار مؤثر و جدی است، اما عامل تعیین کننده نبوده و عامل اصلی همان مسائل فرهنگی است. اغلب کودکان کاری که در رابطه با آن‌ها سخن گفته می‌شود، بدسرپرست محسوب شده و سهم بی‌سرپرستی در ایشان بسیار اندک است.

البته بسیاری از کودکان کار بدسرپرست نیز نیستند؛ چراکه موضوع اصلی همان مسائل فرهنگی است. بنابراین، اغلب این کودکان یعنی ۶۰ تا ۷۰ درصد آن‌ها بدسرپرست بوده و تعداد کودکان کار بی‌سرپرست بسیار اندک است. همچنین، چنانچه دسته‌ای از کودکان کار یعنی افرادی که متأسفانه زباله‌گردانی می‌کنند را در نظر نگیریم، تعداد کودکان کار بی‌سرپرست تقریباً صفر خواهد بود. معمولاً کودکانی که در معابر و نقاط مختلف کار می‌کنند، دچار شرایطی می‌شوند که ممکن است از سوی نهادهای مختلف دستگیر شوند و پس از دستگیری نیز طبق قانون حتماً باید سرپرست ایشان برای رهایی آن‌ها اقدام کند. متأسفانه مقوله بی‌سرپرستی در کودکان کار زباله‌گردان بسیار پررنگ است.

امروز شاید پررنگ‌ترین طراحی جامعه و محل امن برای پناه دادن به کودکان کار، بهزیستی است، اما این سؤال پیش می‌آید که چرا کودکان از اتومبیل‌های بهزیستی فراری هستند؟ دستگیری کودکان باعث می‌شود تا ایشان در کودکی تبدیل به مجرم شوند و دیگر نمی‌توان در آینده به ایشان به عنوان یک شهروند سالم و مطلوب نگریت. متأسفانه نهادهای مختلف مربوط به موضوع کودکان کار به گونه‌ای رفتار می‌کنند که این کودکان از آن‌ها فراری هستند. امروز جز برخی تلاش‌ها کوچک مدنی هیچ پناهی برای کودکان کار وجود ندارد. این مسئله یک زنگ خطر برای جامعه است و چنانچه در طرح‌های جمع‌آوری، به ا فشار آسیب، نگاهی امنیتی و شبه آن داشته باشیم، حتماً با مشکل مواجه خواهیم شد.

راه ورود به مسائل اجتماعی، نگاه اجتماعی و فرهنگی است و اگر نگاه ما نگاه امنیتی باشد، حتماً مسئله مورد نظر نیز در درازمدت به یک مسئله امنیتی تبدیل خواهد شد. در سال ۹۷ آمار مبتنی بر ۱۷ هزار کودک کار در تهران اعلام شد که البته خیلی رسمیت نداشت. متأسفانه نگاه موجود به آمار کودکان کار نیز نگاهی امنیتی است که این مسئله نیز خود آسیب‌زا خواهد بود.

منابع و ماخذ

- ایمانی جاجرمی، حسین، فیروزآبادی سیداحمد (۱۳۸۶) بررسی مدل‌های سنجش عملکرد مدیریت محلی: با تأکید بر سازمان‌های مدیریت شهری و روستایی در ایران، نامه علوم اجتماعی، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۳۲، از صفحه ۹۱ تا صفحه ۱۱۱
- بهها، محمد (۱۳۹۵)، نقش مدیریت شهری در کاهش آسیب‌های اجتماعی (اعتیاد) آوای همیاری، شماره ۹۰
- پبله وری، نازنین (۱۳۹۴) ارائه الگویی جهت ارزیابی حکمرانی خوب شهری (شهرداری منطقه ۱۰) پژوهش‌های مدیریت منابع سازمانی، دوره ۵، شماره ۴
- سجاسی قیداری حمدالله، حاجیان، نرگس (۱۳۹۷)، ارزیابی مدیریت محلی در مناطق روستایی با شاخصهای حکمروایی مطلوب نمونه موردی: روستاهای توابع شهرستان چناران، فصلنامه آمایش جغرافیایی فضا، شماره ۲۸، تابستان ۱۳۹۷، صص ۱۹۱-۲۰۸
- قادری صلاح الدین، فاضلی محمد، پاک سرشت سلیمان (۱۳۹۵) راهبردهای محله محوری و توسعه محله ای: مقایسه الگوی مدیریت محله و عملکرد آن در ایران و انگلستان، نشریه توسعه محلی (روستایی - شهری)، شماره ۱۴، صص ۵۷-۸۸